

## برای شناساندن سیمای واقعی تشیع از چه راه بهتری می‌توان نتیجه گرفت؟

پاسخ سؤال گسترده‌بلا در گفتاری کوتاه و فشرده این است:

روشن‌ترین روش در معرفی تشیع چنانکه در واقع هست، بیان‌نگارش معتقدات شیعه است از کتابهای معتبر دانشمندان شیعه و نشر آنها در میان سایر مسلمانان جهان بلکه در میان خود شیعیان خاصه جوانان آشنا بنوشته‌های غربیان، زیرا اگر برادران اسلامی مذاهب دیگر اسلامی و برخی از جوانان شیعه امروز که با کتابها و نوشته‌های غربیان و مخالفان تشیع آشنایی دارند، نسبت به مذهب شیعه بدبین هستند و اتهامات ناروایی بدان وارد می‌کنند، از آن جهت است که کتابهای دانشمندان شیعه را که درباره اصول معتقدات شیعه است نخوانده‌اند و در واقع مذهب تشیع را نمی‌شناسند. آنچه را به مذهب شیعه نسبت می‌دهند، نه در هیچیک از کتابهای معتبر شیعیان آورده شده است و نه در اعمال و اعتقادات شیعیان وجود دارد. نسبتهای ناشایست و افتراءات گوناگون که بشیعیان و مذهب شیعه روا می‌دارند، در حقیقت به تشیعی است که خود از پیش خود ساخته‌اند نه به تشیعی که اصول و ارکان آن در کتب بزرگان شیعه با بحث و استدلال کافی آورده شده است.

در راه شناساندن سیمای حقیقی تشیع باید با احتیاط و دقت تمام گام برداریم و از بعضی شیوه‌های ناپسند آمیخته به تعصب و خودخواهی دوری جوئیم و به پیروی از دستور قرآن کریم: ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی

احسن<sup>۱</sup>، فقط روش اثباتی و ایجابی را دنبال کنیم، و از هر نوع خشونت و جدل و طعن و سب نسبت بمذاهب دیگر بپرهیزیم، و گر نه از کوشش خود درین راه نتیجه نخواهیم گرفت بلکه گاهی نتیجه معکوس بدست خواهد آمد.

بمنظور اینکه از بحث در پیرامون موضوعی که عنوان شده است بیشتر و بهتر نتیجه بگیریم و با تأیید و هدایت خداوند همان راه و روش اثباتی را که نام بردیم شیوه کار خود قرار دهیم، شایسته است که در آغاز گفتار چند نکته را که بستگی بموضوع بحث دارد بصورت سؤال عنوان کنیم و پس از آن پاسخ هر کدام باینانی ساده و روشن آورده شود. این پیشگفتار خود راه درست شناساندن شیعه و هدف و غرض اصلی از آنرا که: رفع اختلاف و جدایی از میان مسلمانان و ایجاد همبستگی و وحدت در بین همه مسلمانان جهان و باز شدن راه بسوی اسلام واقعی می باشد خود بخود نشان خواهد داد.

### اینک پرسشها:

- ۱- آیا سایر مسلمانان مذهب شیعه را بدرستی نشناخته اند و آنچه بدین مذهب و پیروان آن نسبت داده می شود غیر از آن است که در کتابهای معتبر شیعه نوشته شده و شیعیان بدان عمل می کنند؟ اصول عقاید شیعیان موافق گفته پیشوایان و دانشمندان شیعه چیست؟
- ۲- علت شناخته نشدن تشیع و دادن نسبتهای ناروا بدین مذهب که موجب جدایی میان شیعیان و سایر مذاهب اسلامی شده است چیست؟ و آیا علاوه بر مسلمانان غیر شیعی سایر جهانیان نیز مذهب شیعه را چنانکه هست نشناخته اند؟
- ۳- از شناساندن حقیقت تشیع و اصول معتقدات آنان چه نتیجه بدست می آید؟ در پیرامون هر یک از پرسشها، باندازه‌ی که این مقاله گنجایش دارد بررسی و پژوهش می شود.

\* \* \*

### ۱- در پیرامون پرسش یکم :

درین گفتار اصول عقاید شیعه از روی کتابهای معتبر دانشمندان شیعه بیان و با ذکر شواهد ، ثبت و روشن خواهد شد که عامه مسلمانان در دورانی متجاوز از هزار سال ، که اقتدار و حکومت در دست مخالفان شیعه بود ، بعلل و جهات گوناگون ، مذهب شیعه و مبانی آنرا چه در قسمت اصول عقلی عقاید و چه در فروع و احکام سمعی نشناختند یا بتعبیری موافق تر با واقع بسبب نفوذ فرمانروایان نخواستند یا نتوانستند بشناسند در نتیجه همه بدبینی آنان درباره مذهب شیعه و شیعیان از همان ناآشنایی بحقیقت و پندارهای دوراز واقع که نسبت به تشیع داشتند ، ناشی شده است .

این عدم معرفت در طبقات مختلف مردم یکسان نبوده است ، عوام در نتیجه بی اطلاعی و نادانی نتوانستند شیعه را بشناسند و در واقع این مردم قاصر بوده اند ولی خواص و علما و قاضیان بعلل و جهات گوناگون که از آن جمله تعصب توارثی و شاید حب جاه و مقام بوده است نخواستند مذهب شیعه را بشناسند و بدیگران بشناسانند زیرا در آن صورت این مذهب نیز جزء مذاهب رسمی می شد و این برخلاف سیاست خلفای زمان بود .

چنانکه در علم اجتماع و تاریخ روشن است در هر عصر و هر جامعه اکثریت مردم را طبقه بیسوادان و کم سوادان یا عوام تشکیل می دهند و این گروه در بیشتر عقاید خاصه در معتقدات دینی و مذهبی پیرو پیشوایان و رهبران دینی خود هستند ، بنابراین هر چه را رهبران بگویند یا بنویسند این گروه بدون دلیل و برهان می پذیرند و بدان ایمان پیدا می کنند . چنانکه در ضمن همین گفتار روشن خواهد شد ، این مردم عامی و نادان هر چه را از کتابهای پیشوایان خود یا از گفته های آنان درباره شیعه و شیعیان خوانده یا شنیده اند در جهت مخالف تشیع واقعی بوده و بر انواع و اقسام نسبت های ناروا و افتراءات شرم آور اشتهال داشته است .

ما خود اذعان داریم که اگر آن نسبت های ناروا درست می بود ، همه آن بدبینی ها و دشمنی مسلمانان دیگر باشیعیان و تفسیق و تکفیر و حلال دانستن مال و جان و ناموس

آنان بجا بود ولی چنانکه نمونه‌هایی از آن نسبتها را در همین مقاله خواهیم دید همگی آنها افتراء و دروغ محض است و اگر جز در بحث امامت که جزء فروع است، میان شیعه و اهل سنت اختلافی وجود دارد، چنان اختلافاتی موجب آن‌گونه دشمنیها و جداییها نمی‌گردد، این نوع اختلاف در پیرامون مسائل فروع در فقه و احکام نظیر اختلافاتی است که میان مذاهب چهارگانه خود اهل سنت نیز وجود دارد.

لکن این‌گونه بحث و تحلیل و جدا کردن اختلافات اصولی از اختلافات فروعی در مسائل دینی و علمی برای عوام مردم مقدور نیست و از اینرو همیشه پیروپیشوایان خود هستند و اگر رهبران و پیشوایان، آنان را براه راست و ترک تعصب و دشمنی راهنمایی نکنند هم چنان در نادانی و تعصب جاهلی خود می‌مانند و راهی بواقع و حقیقت پیدا نمی‌کنند.

خوشبختانه در عصری که ما زندگی می‌کنیم از جهتی تعصبهای دوران جاهلیت و قرون وسطائی کم شده و از سوی دیگر موجبات روزافزون برای کسب معلومات و اطلاعات گسترش یافته و می‌باید و وسایل تحصیل دانش و ابزار پژوهش و آگاهی در دسترس همگان می‌باشد، از اینرو دیگر عذر نادانی و بی‌خبری و قاصر بودن برای هیچ طبقه و فردی پذیرفته نیست.

همین انگیزه سبب شده است که نویسندگانی این‌سطور باندازه فهم و توانائی خود و بسیاری از نویسندگان و متفکران شیعی و اسلامی، بمنظور خدمت بحقیقت، در راه شناساندن مذهب شیعه که تاکنون ناشناخته مانده و پرده‌های اوهام و اغراض مخالفان چون هاله‌یی آنرا فرا گرفته بوده است، گام برداریم و درین راه از هرگونه تعصب بیجا و خودخواهی ناروا و هم‌چنین دادن نسبتهای دوراز واقع بدیگران دوری جویم.

چنانکه در آغاز همین گفتار اشاره شد، غرض اصلی ازین گفتار و گفتارهای دیگر درین زمینه شناساندن تشیع و معتقدات اصولی و عقلی آنان بروش اثباتی می‌باشد از اینرو شایسته است که بطور فشرده و خلاصه سخنی کوتاه درباره اصول و عقاید شیعیان باستناد کتبه‌های معتبر و گفته دانشمندان خود شیعه، نه بطریقی که دیگران از روی غرض یا نادانی در کتب و مقالات خود ذکر کرده‌اند در اینجا بیاوریم، زیرا آنچه موجب

بدبینی و دوری سایر مسلمانان از شیعه شده است ، همان بی‌اطلاعی از معتقدات واقعی شیعیان و نسبت دادن عقاید نادرست و کفرآمیز بمذهب شیعه می‌باشد .

### اصول عقاید اسلامی مذهب شیعه :

۱- **توحید** : یکتاپرستی یا توحید رکن و اصل نخستین مذهب شیعه است شیعه معتقد به توحید است ، یعنی به‌خدای یگانه و عالم قادر و وحی و خالق ابدی و ازلی که مستجمع جمیع صفات کمالی و منزّه از هرگونه نقص و عیب است عقیده دارد . در توحید و تنزیه خدای یگانه باندازه‌یی که دانشمندان شیعی خاصه فلاسفه و متکلمان شیعی دامنه بحث و استدلال را گسترش داده و دقیق‌ترین نکات را مورد موشکافی قرار داده و زمینه پژوهش و تحقیق را تلطیف و ترقیق کرده‌اند ، هیچیک از دانشمندان و متکلمان سایر ادیان و مذاهب اسلامی و غیراسلامی در پیرامون آن چنان بحث عالی و دقیقی نکرده‌اند . معهذا چنانکه خواهیم دید در کتابهای کلامی و ملل و نحل نسبتهای ناروایی در زمینه توحید مانند اتهامات در سایر موارد ، بمذهب شیعه داده شده است . از آن جمله آنان را مجسمه و مشبّه و نظایر اینها خوانده‌اند<sup>۲</sup> در صورتیکه کتابهای شیعیان از صدر اسلام تا دوران معاصر همه این‌گونه اتهامات را بطور آشکار رد می‌کند .

اینک ، برای اثبات دعوی نمونه‌هایی از آنچه دانشمندان شیعه در کتابهای خود درباره توحید نوشته‌اند در اینجا می‌آوریم :

شیخ صدوق<sup>۳</sup> ، نزدیک به هزار سال پیش در کتاب «اعتقادات»<sup>۴</sup> خود درباره توحید ،

۲- مجسمه فرقه‌یی هستند که خدا را جسم می‌دانند و مشبّه کسانی هستند که خدا را در اوصاف به آدمیان تشبیه می‌کنند . در کتب کلامی شیعه خداوند منزّه از این‌گونه اوهام نادرست بیان شده است .

۳- ابو جعفر محمد بن بابویه قمی ، رئیس‌المحدثین و مشهور به صدوق (ولادت او ایل قرن چهارم هجری ، وفات بسال ۳۸۱ هجری - مدفون در شهر ری - ابن بابویه) . مؤلفات وی را تا ۳۰۰ کتاب و رساله نوشته‌اند .

۴- اعتقادات شیخ صدوق از کتابهای معتبر و موجز و مفید شیخ است که اصول اعتقادی شیعه در آن با صراحت و صداقت آورده شده است . در الذریعه سبب نگارش این کتاب بدین‌گونه نوشته شده است : «کتاب اعتقادات را شیخ صدوق در مجلس روز جمعه ۱۲ شعبان ۳۶۸ هجری در نیشابور املاء فرموده و سبب این تألیف آن بوده که مشایخ حاضر در مجلس از ایشان درخواست کردند وصف شیعه ۱۲ امامی را برای آنها بطریق اختصار املاء کند ، لذا صدوق درین کتاب جمیع اعتقادات فرقه ناجیه را از «ضروریات» و

معتقدات شیعه را باصراحت و اختصار بیان کرده است: «بدانکه اعتقادا در توحید این است که خدای تعالی یکی است و هیچ چیز مثل او نیست. قدیم است و همیشه شنوا و بینا و درست کار و زنده و با امر خلاق قیام کننده و غالب و پاک از تمام معایب و توانا و صاحب غنا بوده و خواهد بود، نه موصوف بجوهر می شود و نه بجسم و نه صورت و نه عرض و نه خط و سطح و سنگینی و سبکی و قرار و حرکت و مکان و زمان، و برتر است از همه صفتهای آفریدگان و بیرون است از هر دو حد، حد ابطال و نیستی و حد تشبیه و مانند داشتن. و حق تعالی چیزی است نه مثل سایر چیزها و او یگانه است، جفت ندارد، فرزند نیاورده که وارثش شود، و زاده نگردیده که دیگری شریک ملکش باشد و احدی کفو او نبوده، نه او را مقابلی است و نه شبیهی و نه جفتی و نه مثلی و نه نظیری و نه شریکی، نمی یابد او را چشمها و و همها و او می یابد آنها را... خالق همه چیز است، نیست خداوندی مگر او، مخصوص اوست آفرینش و فرمان، تبارک الله رب العالمین.

و هر که معتقد تشبیه باشد مشرک است، و هر که نسبت بامامیه دهد خلاف این اوصاف را در امر توحید، دروغ گوست و هر حدیثی که مخالف این فقرات باشد جعل و اختراع است، و هر حدیثی که موافقت با کتاب خدا نمی نماید باطل است، و اگر در کتب علما موجود باشد تدلیس و خدعه است، و آن احادیثی که جهال پندارند که تشبیه حق تعالی بخلق است، معنی صحیح آنها همان معنی صحیح نظیر آنها از آیات قرآنی است...»<sup>۵</sup>

در هر یک از کتابهای شیعه که در اصول عقاید نوشته شده است، خداوند بهمین گونه وصف گردیده و از هر نوع تشبیه و تجسم و رؤیت و ظلم و جبر مقامش منزّه دانسته شده است، معینا در کتب ملل و نحل و تاریخ شیعه که بقلم نویسندگان مسلمان غیر شیعی نوشته شده است شیعیان را مشبّهه و مجسمه خوانده اند و غالیا راکه فردی از مردم را خدا می دانند جزء شیعیان بشمار آورده اند. در صورتیکه تجسم و تشبیه و رؤیت و

→

«وفاتیات» و «غیر وفاتیات» ذکر کرده است... از مقدمه ترجمه اعتقادات صدوق ص ۷۶۶ مقدمه ج تهران ۱۳۸۰ ق.

۵- ترجمه اعتقادات صدوق ص ۸۵۷ ج چهارم - تهران ۱۳۸۰ ق.

تکلیف مالا یطاق جزء اصول برخی از مذاهب کلامی اهل سنت است و در کتب کلام به تفصیل از آنها بحث شده است .

در همین زمینه توحید از یکی دیگر از کتب شیعه که در قرن هفتم بفارسی شیوا و رسا نوشته شده است ، نمونه‌یی نقل می‌شود :

«واعتقاد کرده‌اند که جسم نیست و جوهر نیست که اگر باشد با اجسام و جواهر برابر باشد در همه چیزها یا نباشد ، اگر باشد چون وی قدیم است ، باید که اجسام و جواهر قدیم باشند ، و چون اجسام و جواهر محدث‌اند باید که وی نیز محدث باشد و این هر دو باطل است و اگر بوجهی با اجسام برابر باشد و بوجهی نباشد لازم آید که وی مرکب باشد از آنچه با اجسام برابر است و از آنچه برابر نیست و هر چه مرکب باشد ممکن باشد . و عرض نباشد زیرا که عرض در وجود محتاج محصل است و وی تعالی محتاج محصل نیست . و اعتقاد کرده‌اند که وی تعالی دیدنی نیست بچشم سر ، زیرا که هر چه در نظر بصر آید در مقابل بیننده بود یا در حکم مقابل بود و هر چه چنین بود یا جسم بود یا جسمانی و خدای تعالی نه جسم است و نه جسمانی ، پس در مقابل نباشد ، و دیدنی که نه در مقابل باشد معقول نیست»<sup>۶</sup> .

**۲- نبوت عام و خاص :** جزء اصول عقاید شیعه ، که مانند اعتقاد به توحید باید از راه عقل و درایت دانسته شود نه از راه سمع و روایت ، اعتقاد به نبوت است ، شیعه همگی پیغمبران گذشته را که از جانب خدا رسالت راهنمایی و رهبری مردم را داشته‌اند به پیغامبری می‌شناسند و از نظر اصول عقاید ، ارسال پیامبران را برای هدایت خلق جزء الطاف لازمه خدا می‌دانند : «... و چنان معتقدیم درباره جملمگی که ایشان آورده‌اند حق را از نزد حق سبب‌خانه و اینکه قول ایشان قول خداست و امرشان امر خدا و اطاعتشان اطاعت خدا و مخالفت امر ایشان مخالفت امر خدا و اینکه هیچ‌یک سخن نگفتند مگر از خدا و از وحی و اینکه سادات انبیاء پنج نفرند که مدار تمام دوران گردیده‌اند و آن پنج نفر صاحب شریعت‌هایند و اولوالعزمند: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین . و محمد سید ایشان و افضل ایشان است و آنکه آن جناب صلی الله علیه و آله حق را آورده و تصدیق پیغمبران کرده و آنکه آنان که تکذیبش نمودند البته

چشندگان عذاب دردناکند در آخرت و کسانی که باو گردیدند و تعظیم و حمایتش نمودند و پیروی کردند نوری را که باو نازل شده ایشانند رستگاران . و واجب است اعتقاد باینکه حق تعالی نیافریده هیچ خلقی افضل از محمد صلی الله علیه و آله و آئمه علیهم السلام ...»<sup>۷</sup> . شیعه ، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آخرین پیامبران و برترین و کاملترین آنان می داند و عقیده دارد که رسالت آن بزرگوار بر همه جهانیان است و پس از وی پیغمبر دیگری برانگیخته نمی شود .

احکام و دستورات او که از جانب خداست تا روز رستاخیز تغییر ناپذیر می باشد : «حلال محمد حلال» الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة» .

در همین زمینه ، گفته دیگری از کتابهای شیعه را در اینجا می آوریم :

«بدان که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب رسول خداست ، برای اینکه دعوی پیغمبری کرد و بر عقب دعوی معجزه بنمود و هر که دعوی پیغمبری کند و بر عقب دعوی معجزه بنماید وی پیغمبر باشد ... و اعتقاد کرده اند که پیغمبر ما و جملة پیغمبران معصوم اند از گناهان صغیره و کبیره پیش از پیغمبری و بعد از پیغمبری ، از برای آنکه باجواز گناه از ایشان عقل از متابعت ایشان نفرت گیرد و لائق نباشد از حکیم واجب گردانیدن متابعت کسی که عقل متنفر بود از متابعت وی دیگر آنکه اگر گناه کنند فاسق باشند و گواهی فاسق قبول نیست ، پس گواهی ایشان بر آنچه دهند و خبر دهند قبول نباشد ...

و پیغمبر ما (ص) بهترین پیغمبران است از برای آنکه هر چه پیغمبران را حاصل بود ویرا حاصل بود و آنچه همه پیغمبران را دادند ویرا دادند و آنچه ویرا دادند پیغمبران دیگران را ندادند ، پس وی فاضل ترین و بهترین پیغمبران باشد ، و برین اجماع همه مسلمانان است ...»<sup>۸</sup> .

چون درباره هریک از اصول عقاید شیعیان که در کتب بزرگان شیعه باین صراحت و لطافت و شرح و تفصیل از آنها بحث شده است ، در کتابهای مخالفان انواع و اقسام نسبتهای ناروا داده شده است ، شایسته دیدیم که نمونه های بیشتری از متون کتب

۷- ترجمه اعتقادات صدوق ص ۱۱۳ و ۱۱۴ .

۸- معتقد الامامیه ص ۴۴-۴۲ .



شیعه در اینجا بیاوریم .

علامه حلی، دانشمند معروف شیعه در یکی از آثار بسیار موجز خود در موضوع رسالت پیغمبر (ص) چنین می‌گوید : «واجب است که به پیامبری پیغمبر خودمان صلی‌الله علیه‌وآله اعتقاد داشته باشیم ، زیرا دارای معجزه بود و دعوی نبوت کرد بنابراین پیغمبر راستین می‌باشد . موضوع معجزه و دعوی نبوت هر دو به ثبوت رسیده و قطعی است . هم چنین باید بعصمت آن بزرگوار معتقد باشیم زیرا اگر معصوم از خطا و گناه نباشد ، وثوق و اعتماد از گفته‌او برداشته می‌شود و در نتیجه فائده پیغمبری و بعثت از میان می‌رود . هم چنین واجب است اعتقاد باینکه وی خاتم پیامبران می‌باشد زیرا این موضوع از ضروریات دین اسلام است ...»<sup>۹</sup> .

شیعیان چنانکه همه اصول و فروع اعتقادات خود را از امامان و پیشوایان خود ، خاصه از نخستین امام و سرور متقیان علی علیه‌السلام اقتباس کرده‌اند ، درباره حقایق پیغمبر و اوصاف آن بزرگوار نیز عقاید خود را از آن دریای بیکران و دروازه علم پیغمبر (ص) فرا گرفته‌اند : «... تا اینکه خداوند محمد صلی‌الله علیه‌وآله و سلم را برای وفا کردن بوعده خود و پایان رساندن نبوتش برانگیخت ... و مردم زمین در آن هنگام دارای دینهای گوناگون و هوسهای پراکنده و روشهای مختلف بودند ... پس خداوند بسبب پیغمبر خود آنان را هدایت کرد و از گمراهی بیرون آورد ...»<sup>۱۰</sup> .

**۳- قرآن کریم :** اعتقاد شیعه به پیروی از گفته پیشوایان و راهنمایان و محدثان بزرگ مذهب خود ، درباره قرآن آن است که آن : گفته خداوند است و بر پیغمبر خاتم وحی شده و معجزه باقیه است و بر همه مسلمانان واجب است که بدستورات آن عمل کنند . در آن هیچ زیاده و نقیصه و تحریف و تغییری رخ نداده و نخواهد داد ، چنانکه خود خداوند فرموده است : انا نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون<sup>۱۱</sup> قرآنی که هم اکنون بصورت خطی یا چاپی در دست همه مسلمانان همه کشورهای اسلامی وجود دارد همان قرآن است که بر پیغمبر بزرگوار اسلام نازل شده است .

۹- رساله واجب الاعتقاد ص ۱۲۷ . چ تهران ۱۳۷۲ - در دنبال تبصرة المتعلمین .

۱۰- نهج البلاغه با تعلیقات و فهرستهای دکتر صبحی صالح ص ۴۴ . چ بیروت ۱۴۸۷ هـ ، ۱۹۶۷ م .

۱۱- سوره : حجر ، آیه : ۹ .

دانشمندان شیعه گفته کسانی را که بتحریف یا زیاده و نقصانی در قرآن عقیده دارند، بشدت رد کرده و نادرست دانسته‌اند.

«اعتقاد ما در شأن قرآن چنان است که آن کلام خدا و وحی او و فرو فرستاده او و سخن او و کتاب اوست و اینکه باطل وارد قرآن نمی‌شود نه از پیش و نه از پس، و اینکه آن داستانه‌های حق است و سخن قطع است و شوخی و افسانه نیست و حق تعالی احداث نمایند و نازل کننده و پروردگار و حفظ کننده قرآن است»<sup>۱۲</sup>.

درباره مقدار و اندازه قرآن و عدم تحریف و تغییر در آن، عالم و محدث ثقه و بزرگوار، ابن بابویه، چنین می‌گوید: «اعتقاد ما این است که قرآنی را که خداوند نازل ساخته بر محمد صلی الله علیه و آله، همین است که در میان دو جلد است و این همین است که در دست مردم است و زیاده بر این نیست و عدد سوره‌هایش نزد مردم یک صد و چهارده سوره است، و نزد ما و الضحی و الم نشرح یک سوره است، و لایلاف و الم ترکیف یک سوره و هر کس بما اسناد دهد که مامی گوئیم قرآن زیاده ازین است آن کس دروغگو است...»<sup>۱۳</sup>. باین اسناد و نصوصی که در کتب و گفتار بزرگان شیعه وجود دارد معهودا در کتابهای اهل سنت در همین موضوع انواع تهمت‌های ناروا از قبیل تحریف و زیاده و نقصیه در قرآن بشیعه نسبت داده شده است!

۴- سنت و حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله: شیعه بهر چه پیغمبر امین و راستگو خبر داده است یقین و ایمان دارد، روز رستاخیز و معاد و حساب و بهشت و دوزخ و صراط و میزان و ثواب و عقاب همه جزء معتقدات شیعیان است و کتابهای شیعیان بتفصیل یا اختصار در هر یک ازین مواضع داد سخن داده است.

درفروع و احکام نیز بهمۀ دستوراتی که در قرآن کریم یا خبر و سنت آمده است عقیده دارد. از اوامر پیروی و از منهیات دوری می‌کند. نماز و روزه و حج و زکات و جهاد را جزء ارکان دین می‌شمارد: «... و ارکان شریعت پنج است: نماز و روزه و زکات و حج و جهاد»<sup>۱۴</sup>.

۱۲- ترجمۀ اعتقادات صدوق ص ۱۰۶.

۱۳- همان کتاب، همان صفحه.

۱۴- معتقد الامامیه ص ۱۷۳، ج دانشگاه تهران ۱۳۳۹.

در کتابهای فقه شیعه، با استناد بقرآن کریم و حدیث معصوم و عقل و اجماع پژوهش و تحقیق مستوفی بعمل آمده و مجتهدان و دانشمندان شیعی در راه وصول بحقیقت اسلام و فهم معنی قرآن و سنت و عمل پیغمبر بزرگوار (ص) کوشش و دقت و احتیاط را بکمال رسانده‌اند.

از مزایا و اختصاصات فقه شیعه آن است که در بحث از مسائل فقهی و بیان فروع، چنانکه عقاید علما و فقهای شیعه آورده شده است بعضی از فقهای بزرگما در کتابهای فقهی خود نظراته چهارگانه اهل سنت را نیز در هر یک از مباحث فقهی که در آنها اختلاف نظر وجود داشته است ذکر کرده‌اند، از آن جمله است کتاب الخلاف شیخ طوسی رضوان الله علیه (۳۸۵-۴۶۰) درین کتاب در زمانی که هنوز در دنیا نام و مفهوم «حقوق تطبیقی» و «فقه مقارن» وجود نداشت شیخ بزرگوار طوسی که یکی از مفاخر عالم اسلام است کتاب ممتّع و پرفائده خود را بروش «فقه تطبیقی» تألیف کرد و در هر فرعی نخست به بیان عقیده ابوحنیفه و شافعی و مالک و احمد حنبل پرداخت سپس عقیده علمای شیعه را بیان نمود. اگر در مسأله‌ی اتفاق آراء در مذاهب پنج‌گانه وجود دارد، بدان تصریح می‌کند و اگر میان عقیده شیعه با مذاهب دیگر اختلاف وجود دارد، پس از ذکر عقیده دوطرف با ذکر کلمه: «دلاینا» باثبات عقیده فقهی شیعه می‌پردازد. جای تأسف و تعجب است که در عصر شیخ طوسی و در زمان پیش از او و بعد از او در کتابهای فقه و حدیث و کلام و تفسیر و اصول شیعه همه جا عقاید و نظرهای علمای اهل سنت و اخبار و احادیث آنان بنقل از کتب صحاح خود آنان دیده می‌شود ولی در کتب برادران سنی ما چه پیش از شیخ طوسی و چه در عصر او و چه در زمانهای بعد در مسائل و مواضع فقه و اصول و تفسیر و حدیث از آراء و عقاید علمای شیعه که مستند بگفته پیشوایان دین و کتابهای علمای بزرگ شیعه باشد نامی برده نمی‌شود و اگر در کتابهای کلامی و سیر و تواریخ گاهی بعقاید شیعیان و به تعبیر ناشایست خود آنان «رافضیان» نامی برده شود، جنبه افتراء و اتهام دارد و امور و اعمال ناشایستی بشیعه نسبت داده می‌شود که هرگز در پندار و گفتار و رفتار آنان نیست از قبیل: تجسم و تشبّه در توحید و افضالیت علی (ع) از نبی و اینکه شیعه عقیده دارد که جبرئیل بنا بود

به‌علی نازل شود ولی اشتباه کرد و برنبی نازل شد یا غالیان را در شمار شیعیان بحساب آوردن در صورتیکه: «اعتقاد ما درباره غالیان و تفویضیان آن است که آنها کافر بخدایند و بدتر از یهود و نصاری و مجوس ...»<sup>۱۵</sup>.

درباره اینکه علت اصلی جدایی و دشمنی که میان سایر مذاهب اسلامی با فرقه شیعه پیدا شده است همین‌گونه اتهامات ناروایی است که در گفتار و کتابهای رهبران و علمای مذاهب دیگر بشیعه نسبت داده شده است، باینکه در کتابهای شیعیان و گفتار و عمل آنان همه آنها بصراحت تکذیب شده است، در قسمت دوم همین مقاله مفصل‌تر بحث خواهیم کرد. علت اینکه نویسندگان این سطور باین موضوع بیشتر توجه دارد، این است که سبب اصلی این کشمکش و افتراق ممتد تاریخی را همین سوء تفاهم و تعبیر و معرفی نادرست شیعه در کتابها و گفتارها و ساختن شیعه‌یی مخالف اسلام در انظار و افکار سایر مسلمانان می‌داند.

– اکنون که آن تعصبات و استبداد و جمود فکری زمانهای سابق از میان رفته است بهمه برادران سنی مذهب بلکه بهمه مسلمانان و سایر مسلمانان جهان از راه خیرخواهی و صلاح اندیشی تذکر می‌دهیم که درباره راه و روش مذاهب دیگر بلکه نسبت بهرگونه عقاید و آراء مخالفان فقط از راه بحث و پژوهش کافی و بررسی آراء و نظریات هر دسته و مذهب و مکتبی از روی اسناد و نصوص و نوشته‌های معتبر خود آنان می‌توان داوری کرد و گرنه از راه راست و درک حقیقت منحرف می‌شویم. بهترین شاهد برای این مدعا موضوع بحث همین گفتار است، تا اینجا خلاصه‌یی از اصول معتقدات اسلامی شیعیان درباره آنچه مربوط بعقاید عقلی و استدلالی و آنچه مربوط باحکام و دستورات اسلام از راه نقل و سمع است، باستناد کتابهای معروف و معتبر شیعه آورده شد و هر کس که مختصر آشنایی بمبانی و مبسادی اسلام داشته باشد بزودی متوجه می‌شود که معتقدات شیعه در مسائل اصولی اسلام همان است که همه پیروان مذاهب چهارگانه و هر مسلمانی باشیعه در آنها هم عقیده هستند و بروفق صریح آیات قرآنی و عمل پیغمبر اسلام هر کس دارای چنان عقایدی باشد جزء مسلمانان بشمار می‌آید

واژه‌ها مزایای اسلام برخوردار می‌شود. اگر فرد یا گروهی از مسلمانان چنین کسانی را از حوزه اسلام خارج کنند و آنان را مسلمانان ندانند برخلاف گفته خدا و پیغمبر رفتار کرده‌اند و در واقع خود معنی و مقصود اسلام را نفهمیده‌اند زیرا پیغمبر واقع بین اسلام با آن دید وسیع و جهانی که داشت عمل و هدفش آن بود که همه جهانیان را بسوی اسلام بکشاند و باندک رابطه و بهانه‌یی آنان را داخل حوزه اسلام کند و همین اندازه که تازه واردی بزبان به یگانگی خدا و پیامبری رسول خدا و خاتم پیغمبران اقرار نماید و ارکان و اصول اولیه اسلام را بپذیرد او را جزء مسلمانان بشمارد.

حال واقعاً جای کمال تعجب و تأسف نیست که، با آن نظر جهان بین پیغمبر اسلام (ص) گروهی از مردم که خود را مسلمان و پیرو سنت پیغمبر می‌دانند، دسته دیگری از برادران اسلامی خود را که در ظاهر و باطن همه اصول و فروع و ارکان اسلام معتقدند و بدانها عمل می‌کنند و در عقاید اسلامی خود سخت استوار می‌باشند، با کمال بی‌انصافی و گمانهای نادرست و تصورات باطل، که همه ناشی از عدم تحقیق و ندیدن و نخواندن عقاید شیعه از روی کتابهای معتبر آنان می‌باشد. از اسلام خارج کنند و موجب شادی و تقویت دشمنان اسلام گردند؟

امید و انتظار می‌رود که برادران اسلامی سنی ما، درین عصر که همه گونه وسایل تحقیق و پژوهش در دست است، ازین پس برخلاف گذشته، فقط بگفته‌ها و نوشته‌ها که از روی بی‌اطلاعی یا خدای نخواستہ از روی غرض و عصبیت درباره شیعه نوشته شده است، بسنده نکنند و خود دنبال حقیقت بروند و از میان این همه کتاب که بزرگان شیعه در گذشته و زمان ما نوشته‌اند، چند کتاب انتخاب و معتقدات شیعه را از روی کتابهای شیعه بررسی کنند تا در نتیجه متوجه شوند که هیچگونه اختلافی در اصول اسلام میان مذهب شیعه با سایر مذاهب اسلامی وجود ندارد و این همه اختلاف و جدایی نتیجه پندار و وهم و عدم معرفت بوده است.

### تمایز شیعه از سایر فرق اسلامی و عقیده خاص ایشان در امامت :

از آنچه تاکنون بیان شد ، روشن کردید که همه مذاهب چهارگانه اسلام و مذهب شیعه در آنچه مربوط باصول عقلی اولی اسلام است از : توحید ، نبوت و معاد و در آنچه مربوط بفروع سمعی است از : نماز و روزه و حج و زکات و جهاد که ارکان دین شمرده می شوند ، همگی بایکدیگر هم عقیده اند . اینک در اینجا بموضوع اصلی دیگری اشاره می شود که همین موضوع موجب اختلاف است ولی نه چنان اختلافی که یکی از دو طرف را خارج از اسلام کند . درین موضوع نیز که اکنون در صدد بیان آن هستیم ، از جهتی شیعه با اهل سنت وحدت عقیده دارد و از جهتی اختلاف عقیده . این موضوع عبارت است از : خلافت یا امامت و به تعبیر عام جانشین پیغمبر که پس از او عهده دار امور مسلمانان و راهبر و مجری احکام قرآن و دستورات اسلام باشد . شیعه و سنی هر دو درین معنی متفقند که پس از پیغمبر خاتم ناگزیر باید یکی از مسلمانان راهبر و پیشوای دیگران باشد ، جز اینکه شیعیان آن جانشین و رهبر را دارای اوصافی خاص و عصمت را از شرایط قطعی و ضروری امام می دانند ، چنانکه برای پیغمبران نیز عصمت را لازم دانسته اند ، بعلاوه شیعه با ادله استوار عقلی و نقلی که کتب کلامی شیعیان مشحون از آنهاست ، می گویند جانشین پیغمبر باید بنام از جانب خدا بوسیله پیغمبر معین گردد و هر امام و پیشوایی نیز باید جانشین خود را پیش از رحلت معین کند .

اهل سنت در مسأله امامت عقیده دارند که جانشین را مردم انتخاب می کنند و هر کس را بعنوان خلیفه معین کنند و بدو بیعت نمایند وی خلیفه است . در خلیفه و پیشوای مسلمانان عصمت و عدالت را لازم نمی دانند و این عبارت معروف در بیشتر کتابهای کلامی آنان دیده می شود : « اهل سنت و جماعت گویند که رسول صلی الله علیه و آله فرموده است : صلوا خلف کل بر و فاجر یعنی نماز گزارید در عقب هر نیکوکار و بدکاری »<sup>۱۶</sup> .

۱۶- هفتاد و سه ملت - با اعتقادات و مذاهب . مؤلف از اهل سنت ، ناشناخته : چ تهران ۱۳۳۷ ، معرفة المذاهب ، محمود طاهر غزالی معروف بنظام . نسخه خطی ص ۲ پیوست به نسخه هفتاد و سه ملت - متعلق به آقای فاضل ، مدیر فاضل کتابخانه دانشکده الهیات مشهد .

شیعیان امثال این گونه حدیثها را که بیشتر در دوران تاریخ حکومت معاویه و سایر فرمانروایان اموی

این اختلاف با آنکه از نظر نتایج و فروعی که بر آن بار می‌شود بسیار عظیم و اصولی است ولی دانشمندان حقیقی و باانصاف هر دو فرقه ، آن را مؤثر در ماهیت اسلام نمی‌دانند و هر کس که معتقد با اصول اولی اسلام : توحید و نبوت و معاد و مؤمن و معترف به ارکان آن : نماز و روزه و حج و زکات و جهاد باشد اورا جزء مسلمانان می‌شمارند و خون و مال و عرض و ناموسش را در پناه اسلام محترم و محفوظ می‌دارند .

روش و رویه علمای شیعه در تمام دوران اسلامی ، برین بوده است که با برادران مسلمان سنی مذهب خود در همه جا و همه وقت معامله اهل اسلام می‌کرده‌اند ، در مجلس درس ایشان حاضر می‌شدند و در مساجد بامام آنان اقتدا می‌کردند . هرگز در کتب تاریخ ، چه کتابهای ما و چه کتابهای آنان ، دیده نشده است که علمای شیعه ، یکی از عالمان یا عامیان اهل تسنن را تکفیر کنند و حکم قتل اورا بدهند ، حتی در مناطقی که حکومت سیاسی در دست شیعیان بوده است . ولی در برابر ، چندین نفر از علما و فقهای پرهیزگار شیعه بفتوای مفتیان سنی بقتل رسیدند که تاریخ نام آن بزرگان را با عنوان شهید اول و دوم و سوم حفظ کرده است . همچنین بدفعات ، بسیاری از مردم عامی و عالم شهرهای شیعه نشین بفتوای علمای سنی بقتل رسیده‌اند . برخلاف آنچه در عصر ما روی اغراض خاصی از دوران صفویان و از پادشاهان آن

→

بمنظور تطبیق اسلام با وضع پادشاهی و فرمانروایی جابرانه آنان ، گروهی از مزدوران حدیث و طالبان جاه و مقام در برابر دریافت پادشاهی کلان از بیت المال مسلمانان ، وضع و جعل کرده‌اند با ادله قطعی در کتب خود رد کرده و آنها را نادرست دانسته‌اند و علت ضعف اسناد و نادرستی چنان حدیثهایی را بتفصیل روشن ساخته‌اند . بعلاوه دانشمندان اصولی و متکلم شیعی باصل کلی عقلی نیز عقیده دارند و یکی از پایه‌های اجتهاد و استنباط را عقل می‌دانند ، از اینرو معتقدند که در همه جا حکم شرع موافق و ملازم حکم عقل است . این عبارت معروف : کما حکم به الشرع حکم به العقل ، در خلال کلمات آنان در کتب کلامی و اصول فقه زیاد دیده می‌شود .

بسیاری از اخبار و حدیثهای ساختگی ، آثار معمول بودن از مفاد خود آن خبر پیدا است و جزء اخباری شمرده می‌شود که با اصطلاح : قیاساتها معنا می‌باشد . از جمله همین حدیث مورد استناد است . وقتی در اسلام شرط قبولی بکن گواه که درباره موضوع بسیار ناچیزی شهادت می‌دهد عدالت می‌باشد آیا عقل سالم روا می‌دارد که پیشوا و راهبر و امام مسلمانان مردی ظالم و فاسق و فاجر باشد ، در صورتیکه این شخص بر جان و مال و عرض و ناموس مردم حکومت می‌کند ؟ ساختن این گونه حدیثها برای استوار کردن پایه‌های خلافت کسانی امثال معاویه و یزید و فرمانروایان ستمگری چون زیاد و حجاج ضروری بوده است .

سلسله که موجب نگهداری و استقلال ایران شدند ، بدون هیچ دلیل بدگویی می‌کنند پادشاهان نخستین صفوی ، خاصه شاه اسمعیل مؤسس سلسله صفوی هرگز مردم سنی مذهب را در هنگام اقتدار مجبور نکرد که دست از مذهب خود بردارند و روی همین بلندنظری وی ، در میان لشکریان او جمعی از مسلمانان سنی مذهب ایرانی و کردان شام و حلب با عثمانیان و اوزبکان که مذهب اهل سنت داشتند می‌جنگیدند و گروه زیادی از کشته‌شدگان لشکر شاه اسمعیل در جنگ با عثمانیان از مردم سنی مذهب بودند. اکنون که بحث بدینجا کشید برای روشن شدن موضوع بپاره‌یی از ادله شیعیان درباره امامت که موجب تمایز شیعه از سایر مذاهب اسلامی شده است اشاره می‌کنیم تا معلوم گردد که مبنای اعتقادی آنان بر روی پایه‌های بسیار استوار بنا شده است : «اعتقاد و مذهب این طایفه (شیعه) آن است که نصب کردن امامی که قائم مقام رسول باشد بر خدای واجب است و هم چنین ، تا تکلیف باشد ، باید که در هر عصری امامی باشد. و دلیل برین چنین گویند که : نصب امام لطف است و لطف واجب است بر خدای تعالی پس نصب کردن امام بر خدای واجب بود . ما گفتیم : نصب امام لطف است از برای آنکه لطف آن است که مکلف نزد آن اختیار طاعت کند ، تا با اختیار کردن طاعت نزدیکتر گردد .

و معلوم عقل است که چون در میان خلق رئیسی باشد و فرماندهی که انصاف دهد و عدل کند و دست ظالم از مظلوم کوتاه گرداند و جنات را تادیب کند و فاسقان را حدزند. و اهل تغلب را ردع کند ، خلق بصلاح نزدیکتر باشند و از فساد دورتر ...»<sup>۱۷</sup> .

درباره جنبه روحی و ذاتی امام ، شیعه هر کس را شایسته امامت نمی‌داند ، امام باید دارای عصمت بوده و از همه مردم داناتر و برتر و پارساتر و جوانمردتر و دلیرتر و در همه اوصاف نیک و اخلاق پسندیده یگانه روزگار باشد . هم چنین از صفات بد و اخلاق رذیله مبرا بود و هیچگونه نقص خلقی و خَلقی و ناتوانی عقلی و جسمی در وی یافت نشود .

«و اعتقاد کرده‌اند که امام باید معصوم بود از جمله گناهان ... از جهت آنکه عات احتیاج خلق بامام از نامعصومی ایشان است ، پس اگر وی نیز نامعصوم و جائز الخطا



باشد ، محتاج امام دیگر باشد و هم چنین تا اد<sup>۳</sup>ا (؟) کند بامامان نامتناهی و این باطل است ، تا بمعصومی رسد و مطلوب اوست .

بیان این آنست که اگر امام معصوم نباشد ، روا بود که گناهی کند که بدان مستحق حد گردد ، آن کس که این حد بروی راند ، اگر معصوم بود ، مقصود او بود و مطلوب از او حاصل و اگر معصوم نباشد ، وی نیز اگر گناهی کند که مستحق حد باشد ، محتاج دیگری باشد تا بمالائتنامهی رسد و این باطل است و اگر محتاج اول ، د<sup>۳</sup>وراست ...<sup>۱۸</sup> .

شبهه نصب نخستین امام و جانشین پیغمبر را از طریق نص خود پیغمبر و نصب سایر امامان را از گفته پیغمبر و نص امام پیشین می دانند و عقیده دارند که نصب امام از جانب مردم درست نیست زیرا انتخاب مردم همیشه در فرد افضل و اکمل و اصلاح قرار نمی گیرد .

«در آنکه اختیار خالق باطل است . دلیل ایشان برین آن است که اگر اختیار خلق حق باشد روا باشد که در اطراف و اکناف زمین در چند موضع در یک وقت و یک زمان هر قومی اختیار امامی کنند و بطلان امامت دو امام یازاده [در یک زمان] معلوم است ، پس نشاید که اختیار خلق حق باشد ... دلیلی دیگر آن است که عصمت و زهد و ورع از جمله شرایط امام است و خلق را علم بظاهر و باطن آن کس که او را اختیار کنند حاصل نباشد ، پس نشاید که اختیار امام کنند .

دیگر آن که اختیار امام از دین است یا از دین نیست ، اگر از دین است دین با اختیار خلق نباشد و اگر از دین نیست احداث و بدعت باشد و اختیار آنچه احداث و بدعت باشد روا نباشد .

دیگر اگر اختیار امام روا باشد ، روا باشد اختیار کردن پیغمبر از برای پیغمبری ، و این باطل است ، پس اختیار کردن امام باطل باشد و وجه جامع میان پیغمبر و امام ، احتیاج خلق است بایشان .

دلیل بر بطلان اختیار بسیار است ، مابین بسنده کردیم<sup>۱۹</sup> .

در ختام این بحث که خلاصه‌ی از اصول معتقدات شیعه ذکر شد ، نمونه‌ی از گفتار دانشمندان معاصر شیعه نیز آورده می شود . دانشمندان و نویسندگان و سخنور شهر قرن

۱۸- معتقد امامیه ، ص ۱۰۱ .

۱۹- همان کتاب ص ۱۰۳ و ۱۰۴ .

اخیر شیعه مرحوم کاشف‌الغطاء در آنجا که عقاید اصولی و فروعی شیعه را بیان می‌کند در مقدمه چنین می‌نویسد: «همانا دین نزد خداوند اسلام است»<sup>۲۰</sup> و اسلام و ایمان مترادف هستند و بر معنی عامی اطلاق می‌شوند که بر سه پایه تکیه دارد: توحید، نبوت و معاد هر کس یکی از این ارکان را منکر شود، نه مسلمان است و نه مؤمن و هر کس که به یگانگی خدا و پیامبری سرور انبیاء محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و روز جزاء... معتقد باشد، بیقین جزء مسلمانان بشمار می‌آید، از هر چه مسلمانان سود ببرند سود می‌برد و از هر چه زیان ببینند وی زیان می‌بیند. دست‌درازی بخون و مال و عرض چنین کسی احرام است.

اسلام و ایمان بر معنی خاص‌تری که مبتنی است بر همان ارکان سه‌گانه باضافه رکن چهارمی نیز اطلاق می‌شوند. آن رکن چهارم عمل به اصولی است که اسلام بر روی آنها بنا نهاده شده است و آن اصول عبارت است از: نماز، روزه، زکات، حج و جهاد و نظر به این معنی است که گفته‌اند: ایمان، اعتقاد بدل و اقرار بزبان و عمل بارکان است... شیعه امامیه رکن پنجمی بر ارکان چهارگانه افزوده‌اند و آن اعتقاد بامامت است. باین معنی که باید امامت را مانند نبوت منصبی الهی بدانیم. چنانکه خداوند هر کس از بندگانش را بخواهد، به پیامبری برمی‌گزیند و او را بسبب معجزه‌هایی که چون نص و دلیلی است از طرف خدا بر رسالت او، تأیید می‌کند... هم چنین برای امامت و رهبری مردم هر که را بخواهد اختیار می‌کند و پیغمبر خود را مأمور می‌نماید که این منصب را ب مردم ابلاغ کند و او را پس از خود امام و پیشوای مردم قرار دهد تا بوظائفی که خود پیغمبر عهده‌دار آنها بود قیام کند جز اینکه بر پیغمبر از سوی خدا وحی نازل می‌شد لیکن بر امام وحی نمی‌شود، ولی احکام دین را از پیغمبر دریافت می‌کند و از جانب خداوند تأیید می‌شود. بنابراین پیغمبر مبلّغی است از سوی خدا و امام مبلّغی است از جانب پیغمبر.

سلسله امامان در دو ازده تن منصوب است. هر امام پیشین تصریح بامام بعد از خود کرده است.

چنانکه در نبوت عصمت را شرط دانسته‌اند، در امامت نیز امام را معصوم از خطا

۲۰- ان‌الدین عندالله الاسلام. سورة آل‌عمران، آیه: ۱۹.

وگناه می‌دانند ، چنانکه همیشه مورد ثقه و اعتماد مردم باشد . این آیه قرآن کریم را :  
 «انی جاعلك للناس اماماً قال ومن ذریتی ، قال لاینال عهدی الظالمون»<sup>۲۱</sup> . در نظر  
 کسانی که نیک در معنی آن بنگرند صریح در عصمت امامان می‌دانند.

امام باید در هر فضیلتی افضل اهل زمان خود و در هر علمی از همه داناتر باشد ،  
 زیرا غرض از وجود امام تکمیل بشر و پاکیزه کردن و صفادادن نفوس بشری بسبب  
 دانش و کردار پسندیده می‌باشد ... و هر کس خود ناقص باشد نتواند در دیگران کمال  
 بیافریند و آن کس که خود فاقد فضایل باشد نمی‌تواند در دیگران فضیلتی ایجاد کند،  
 بنابراین امام در کمالات دون‌بی و فوق بشر است .

هر یک از مسلمانان که معتقد بامامت باشد چنانکه بیان کردیم وی علاوه بر اینکه مسلمان  
 است و مؤمن بمعنی اخص هم هست و اگر فقط بارکان چهارگانه بسنده کند وی مسلم و مؤمن  
 بمعنی اعم می‌باشد و جمیع احکام اسلام از حرام بودن خون و مال و عرض و واجب  
 بودن حفظ او و حرمت غیبت او و غیر اینها درباره وی مجری است .  
 هرگز شیعه مدعی نیست : هر مسلمانانی که اعتقاد بامامت ندارد از اسلام خارج  
 است زنه‌ار که شیعه چنین عقیده‌یی داشته‌باشد ...

غرض از بیان آنچه گفته شد این بود که مهمترین امتیاز شیعه از سایر فرقه‌های  
 اسلامی عقیده بامامت دوازده امام است و ازین جهت ، شیعه را «امامیه» می‌گویند ،  
 زیرا همگی فِرَقِ شیعه اعتقاد بدوازده امام ندارند چنانکه : زیدیه و اسماعیلیه و  
 واقفیه ... نیز در عداد شیعه بحساب می‌آیند در صورتیکه آنان معتقد بدوازده امام  
 نیستند ... ولی در عصر ما شیعه بر مذهب دوازده امامی که پس از اهل سنت بزرگترین  
 فرقه اسلامی هستند اطلاق می‌شود .

عقیده به «دوازده» از اصول اسلام و کتب صحاح دور نیست.  
 بخاری و دیگران در اخبار صحیح خود ، حدیث دوازده خلیفه را بطرق عدیده

۲۱- سورة بقره ، آیه : ۱۲۴ ، آغاز آیه : واذابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتهن ، قال انی‌جامک

آورده‌اند از آن جمله بخاری بسند از یفمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت کرده‌است :  
 «این امر پایان نخواهد رسید مگر آنکه دوازده خلیفه در میان ایشان ظاهر  
 شود...»<sup>۲۲</sup>.

این بحث ادامه دارد

